

کارآمدی عقلانیت سیستمی در مواجهه با بحران کرونا^۱

مریم بختیاریان^۲

استادیار گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

عقل همواره به‌زعم عقلانیت‌های ایجاد شده در پرتو آن برای حل یا مهار بحران فردی و اجتماعی، ابزاری مطمئن تصور شده است. برخی از اندیشمندان فقط عقلانیت علمی یا برتری آن را پذیرفته‌اند و برخی دیگر دامنه‌ی عقلانیت را تا حدی گسترانیده‌اند که عملکرد انسان در ساحت زندگی روزمره و یا ارزش‌گذاری‌های اخلاقی را نیز در برمی‌گیرد. در عقلانیت سیستمی هیچ عقلانیت هژمونیک یا مسلطی با داعیه‌ی برتری وجود ندارد که بخواهد به‌تنهایی به زندگی شکل دهد. با عقلانیت سیستمی، هر خرده‌سیستم اجتماعی بسته به میزان درجه‌ی حساسیت خود، که هم‌نوایی نام دارد و شبیه به حس هم‌دلی در انسان‌هاست، به تغییرات و اختلالات محیطی برای سلامت و بقای خرده‌سیستم و جامعه واکنش نشان می‌دهد. برای مثال، در بحران ناشی از بیماری کرونا خرده‌سیستم‌ها در جهت یک هدف کلی هر یک از مسیر خاص خود باید حرکت کنند، زیرا عقلانیت هیچ خرده‌سیستمی به‌تنهایی نمی‌تواند بر پیامدهای متعدد آن غلبه کند. برخورد ضعیف برخی جوامع با بیماری کرونا با وجود بهره‌مندی از اقتصاد قوی و عقلانیت علمی و تکنولوژیکی پیشرفته می‌تواند به دلیل ابتئای بیش از حد بر عقلانیت اقتصادی و یا علمی باشد. برای نشان دادن توانایی عقلانیت سیستمی و ضعف‌های عقلانیت علمی و تکنولوژیکی در نپذیرفتن محدودیت‌های عقلانیت انسانی و در ترغیب مردم به تغییر سبک زندگی، با تحلیل داده‌های گردآوری شده از طریق مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و جست‌وجوی اینترنتی بعد از تعریف حوزه‌های تأثیر عقلانیت و نقد یکه‌تازی عقلانیت علمی به تبیین ضعف‌های ساختاری در تحقق عقلانیت سیستمی می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: بحران، کروناویروس، عقلانیت علمی، عقلانیت تکنولوژیکی، عقلانیت سیستمی، عقلانیت هژمونیک.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۳/۲۴؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۴/۷

۲. پست الکترونیک: Bakhtiarian@srbiau.ac.ir

مقدمه

بحران بر تجربه‌ی مواردی از قبیل تهدید یا خطر، اضطراب و یا حالتی از اختلال و آشفتگی غیر قابل پیش‌بینی دلالت دارد، وقتی نظم و تعادل پیشین در درون یک فرد، سازمان یا حتی در جامعه بر هم می‌خورد. بحران‌هایی از قبیل بحران‌های مالی یا اقتصادی، بحران طبیعی، بحران تکنولوژیکی، بحران فرهنگی و غیره برای جهان بحران-زده‌ی امروز پدیده‌های غریبی نیستند، اما غریب و دور از انتظار به نظر می‌رسید که یک ویروس بتواند بسیاری از معادلات جهانی را بر هم بزند و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی در مواجهه‌ی با آن شکننده ظاهر شوند. ویژگی منحصر به فرد بحران ناشی از بیماری کرونا همه‌گیری جهانی آن است، که درست مانند دو جنگ جهانی قرن بیستم، وسعت جهانی‌اش آن را از سایر بیماری‌های همه‌گیر متمایز می‌کند. هم‌چنین نمی‌توان منشأ و مقصر این بحران را از بین طبیعت، سیاست، علم و سبک‌های زندگی به راحتی پیدا کرد. درباره‌ی بحرانی هم‌چون بحران زیست‌محیطی باید گفت بحران یک ذهن فرهنگی است که نتوانسته خود را به طرز مناسبی با بدن مادی‌اش سازگار کند، یعنی وضعیتی که فرهنگ با امکانات تکنولوژیکی، هماهنگ نیست. رشد تکنولوژی و استفاده نادرست از آن بر شکل‌گیری و گسترش معضلات زیست‌محیطی از قبیل تغییرات شرایط آب و هوایی، آلودگی هوا، محیط زیست، از بین رفتن گونه‌های زیستی گیاهی و حیوانی، از بین رفتن پوشش‌های سبز جنگلی و منابع طبیعی، تحلیل رفتن لایه ازن و مواردی دیگر تأثیر گذاشته است. در سایه‌ی عقلانیت ابزاری، مصرف‌گرایی و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی با محور قرار دادن فزونی تولید، به جای تقویت منابع حیاتی به تضعیف آن‌ها انجامیده است. در سده بیستم، صنعت و ماشین از سلامت زمین و انسان ارزش-زدایی کرده‌اند و برای حل این معضل، جامعه‌ای نیست که در سطح عملی، کار جدی و بزرگی انجام داده باشد. هم‌چنان حرکت پیش‌رونده‌ی علم با انقلاب صنعتی، الکترونیک، دیجیتال و فناوری اطلاعات سبک‌های زندگی یا به تعبیر دیگر ذهن و بدن

جامعه را در نقاط مختلف جهان تغییر می‌دهد. در این شرایط، می‌توان پرسید این چه عقلانیتی است که به زندگی بشر شکل می‌دهد، آیا می‌توان این ادعا را پذیرفت که عقلانیت علمی و به دنبال آن تکنولوژیکی جایگاه برتری دارند و امورات انسانی را پیش می‌برند؟

برای پاسخ به این پرسش، تحلیل رفتار جوامع در مواجهه با بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ و تبعات آن مورد مناسبی است. تأمل بر ابعاد اجتماعی اتفاقاتی که به زعم یک ویروس ناشناخته در گوشه و کنار جهان رقم خورده و در تغییر سبک زندگی انسان‌ها نیرومند عمل کرده است، بیش از هر چیز، ضرورت توجه به عقلانیت را نشان می‌دهد، و چه بسا این که نباید موفقیت عقلانیت علمی و تکنولوژیکی را جشن گرفت و کارایی عقلانیت سایر سیستم‌های اجتماعی را نادیده گرفت. این بیماری همه‌گیر هم‌چون سونامی که نمی‌توان مانع حرکت امواج سهمگین آن شد ساحل امنی برای اوضاع اقتصادی باقی نگذاشته است، هیچ‌کس نمی‌داند در آینده اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهان چگونه خواهد شد. وقتی ملاحظه می‌شود ساختارهای اجتماعی مختلف با این ابربحران، برخوردهای گوناگونی داشته‌اند که هیچ ربطی به امکانات زیرساختی آن‌ها ندارد، نمی‌توان از سهم عقلانیت انسانی و علمی در مواجهه‌ی با آن نپرسید. برای تحلیل این موضوع که هدف اصلی انجام این پژوهش است رویکرد سیستمی با اشاره به توانایی‌های عقلانیت سیستمی^۱ به عنوان ابزار تحلیل، انتخاب شده است تا از طریق آن بتوان از امکانات یا ضعف‌های احتمالی عقلانیت انسانی (عقلانیت علمی) در این خصوص و چه بسا از مدل جایگزین برای آن در قالب عقلانیت سیستمی سخن گفت، زیرا گرچه در این عقلانیت، انسان نقش دارد اما نمی‌توان او را یگانه عاملی دانست که منطقی عمل می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به موضوع آن از نوع بنیادی-نظری است که داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق روش مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند، منابع آن شامل کتاب‌های مرتبط با موضوع، مجله‌ها و مقاله‌های اینترنتی است که پس از مطالعه و ترجمه ابتدا توصیف و در صورت نیاز، تحلیل و تبیین می‌شوند. از این رو، در متن اصلی این مقاله نخست حوزه‌ی تأثیر عقلانیت انسانی و محدودیت‌های آن که از زمینه‌های تقویت عقلانیت اجتماعی است، توصیف و تحلیل می‌شوند سپس عقلانیت سیستمی و هم‌نوایی^۱ سیستم‌های اجتماعی بررسی می‌شوند.

عقلانیت انسانی در جهان بحران‌زده: نقد برتری عقلانیت علمی

در قرن بیستم جهان بشری بحران‌زده‌تر از قرن‌های پیشین دیده می‌شود که این به دلیل وقوع دو جنگ جهانی است که تبعات و خسارات زیادی در وسعت جهانی از خود بر جای گذاشتند. برخی از فیلسوفان قرن بیستم، هم‌چون فیلسوفان مکتب فرانکفورت، این وضعیت را حاصل عملکرد مغرورانه‌ی عقلانیت خودبنیاد روشنگری می‌دانند که توان خود را مصروف جنبه‌های مادی و طبیعی انسان می‌کند و از آن پس عقلانیت ابزاری^۲ نام می‌گیرد. به نظر هورکهایمر، این تغییر در تعریف عقل و عقلانیت، تغییر دیدگاه‌های تفکر غربی نسبت به دوره‌های پیش است. نظام‌های فلسفی از افلاطون، ارسطو، اسکولاستیک‌سیسم تا ایده‌آلیسم آلمانی بر مبنای دیدگاه عینی/ابژکتیو نسبت به عقل بنیان نهاده شده بودند و اهدافی که متعالی بودند را مهم‌تر از ابزار می‌دانستند. اما در دوره‌ی مدرن، برداشت سوژکتیو (ذهنی) باعث می‌شود انسان در مقام موجود توانایی ظاهر شود که می‌تواند با استعانت از توانایی‌های محاسباتی، روش‌های تکنیکی و محاسبه احتمالات به سوی انتخاب یا ساختن ابزار هماهنگ با یک هدف خاص پیش برود. پس

1. resonance

2. instrumental rationality

عقل به مثابه‌ی یک توان ذهنی به هماهنگی ابزارها و اهداف کمک می‌کند. چه بسا این باعث شد بسیاری از سیاست‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اصول اخلاق را عوامل دیگری تعیین کنند.^۱ به‌زعم چنین رویه‌ای آن سعادت و رفاهی که عقل ابزاری وعده داده بود در عمل، تحقق پیدا نکرد و این می‌تواند ناشی از اعتماد و اتکای بیش از حد بر عقلانیت انسانی مثلاً در حوزه‌ی علم باشد. انتقاد فرانکفورتی‌ها با توجه به وضعیت تاریخی و اجتماعی عقل و عقلانیت، نوعی گرایش مارکسیستی است که با آن امکان تفکر، بر کنش جمعی و هستی گروهی یا اجتماعی استوار می‌شود و بدین ترتیب، حتی علم نیز تحت تأثیر ساختار اجتماعی قرار می‌گیرد؛ اما از طرف دیگر، علم نیز می‌تواند رشته‌ای از تغییرات اساسی و غیرقابل پیش‌بینی را برای جامعه‌ی بشری رقم بزند، همان‌طور که ساختار قدرت و سبک‌های زندگی را به‌شدت تغییر داده است. با این وصف، می‌توان گفت جایگاه رفیع عقلانیت علمی با وجود پیشرفت صنعت یا تکنولوژی حاصل شده است.

برخی به دلیل رشد تأثیر علم و تکنولوژی بر زندگی بشر، عقلانیت آن‌ها را برتر دانسته‌اند، اما واقعیت این است که برخی از موضوع‌ها و مسائل علم ریشه در خود آن دارند؛ مسائلی هم‌چون کیفیت آب و هوا، کیفیت اوضاع جوی و لایه ازن، کمبود منابع غذایی و گرسنگی جهانی، نرخ رشد جمعیت یا کاهش آن، جنگ‌های مختلف سایبری و بیولوژیک، محصولات تراریخته، سلامت، بیماری و غیره. پس باید گفت تمام پیشرفت‌های علمی انسان مثبت نیستند و برای آن یک سویه‌ی مثبت و یک سویه‌ی منفی قابل ذکر است؛ موارد مثبت آن برای همه‌آشناست و موارد منفی آن مثل همان مسائلی که در چند سطر پیش ذکر شدند.

در رویکرد سیستمی، این سویه‌های مثبت و منفی در عقلانیت علمی ناشی از منطق دوارزشی آن است، یعنی خرده‌سیستم علم بر اساس رمزگان خاصی عمل می‌کند. با وجود تفکیک کارکردی هر خرده‌سیستم، رمزگان ویژه‌ای دارد که بر اساس آن ارتباطات

1. Horkheimer, Max., *Eclipse of Reason*, London & New York, Continuum, 2004, pp.1-5.

دورن‌سیستمی و برون‌سیستمی را هدایت می‌کند. این رمزگان در سیستم علم همان تفاوت میان درست و نادرست (صدق و کذب) است.^۱ کلیه گزاره‌ها یا باورهای معرفتی و نیز تکنیک یا مهارت‌ها بر اساس این رمزگان ارزیابی می‌شوند. از این رو، خود علم نمی‌تواند در خصوص این‌که آیا فلان نظریه یا فناوری به لحاظ سیاسی، اقتصادی، حقوقی یا اخلاقی شایستگی دارد، تصمیم‌گیری کند. برداشت لومان از وضعیت علم این گونه است که در آن دانشمندان آن‌چه را باید انجام بدهند، انجام می‌دهند و هدف عالی آنان بالا بردن سطح معرفت علمی است و نگاه انتقادی کار دانشمندان نیست.^۲ در این رویکرد، بحث از سودمندی چیزی در خرده‌سیستم اقتصاد قابل طرح است و البته خوبی و بدی اخلاقی نیز در حوزه‌ی مربوط به خودش.

در علم، آگاهی‌یافتگی، ابداع، اکتشاف و بالا بردن مهارت‌های تکنیکی و دانش تکنولوژیکی اهمیت دارد نه چیز دیگری، برای مثال موفقیت یک دانشمند در ساخت ابزارهای جنگی به میزان قدرت تخریب و کشندگی سلاحی که ساخته است، بستگی دارد. یک دانشمند ابزاری ارتباطی می‌سازد که می‌تواند ما را در هر شرایطی زیر نظر بگیرد و دیگر مرزی برای حریم شخصی باقی نماند. این روح عقلانیت علمی در تکنولوژی نیز که خرده-خرده‌سیستم آن محسوب می‌شود جریان دارد. عقلانیت تکنولوژیکی یا فناورانه^۳ در پرتو منطق مصرف و سرمایه‌داری، داعیه‌ی برتری داشته و هژمونیک محسوب شده است که این را در سایه همان عقلانیت ابزاری می‌توان تفسیر کرد.^۴ در نظریه‌ی سیستمی تأکید زیاد بر علم، که می‌توان تکنولوژی را نیز بدان افزود، به‌مثابه‌ی نوعی بحران قلمداد شده است که پیامد ساده‌سازی و تکنیکی‌سازی علم بوده و

1. Luhmann Niklas, *Ecological Communication*, Trans. John Bednarz, Jr., the University of Chicago Press, 1989, p.76.

2. Taschwer, Klaus, "Social Science Information", *Journal of Social Science*, 35 (2), June 1996, p.277.

3. technological rationality

4. Kirkpatrick, Greame, *Technology and Social Power*, Publisher: Palgrave, 2008, p.76.

بدون هیچ شناختی از جهان پیش رفته است.^۱ عقلانیت علمی در عین حال که نمی‌داند سعادت چیست تلاش دارد انسان را به آن برساند؛ این در حالی است که نمی‌تواند تصمیم بگیرد انسان‌ها چه چیزهایی را دوست بدارند یا از چه چیز لذت ببرند. گاهی تغییرات ایجاد شده از سوی علم، متناسب با نیازهای انسانی و اجتماعی بوده‌اند و گاهی نامتناسب، و این می‌تواند شاخص مناسبی برای ارزیابی کارکرد اجتماعی علم باشد.^۲ علم و تکنولوژی شرحی از عقلانیت در فکر و عمل عرضه می‌دارند، اما حوزه عقلانیت در نظر و عمل تمام نمی‌شود، استعمارک از عقلانیت در حوزه‌ی ارزش‌شناختی و در هر چه انسان به آن اهتمام می‌ورزد و ترجیح می‌دهد، بحث می‌کند.^۳ اما اگر نظر، عمل و ارزش، هر سه را در حوزه‌ی تأثیر عقلانیت انسانی وارد کنیم آن‌گاه آیا این عقلانیت انسانی می‌تواند از پس سر و سامان دادن جهان بحران‌زده‌ی امروز برآید؟

اوضاع جهان با این بیماری پیچیده‌تر از قبل شده است؛ هربرت سیمون، اصل عقلانیت محدود^۴ را به‌عنوان مبنایی برای رفتار ادراکی انسان در سیستم‌های پیچیده تعریف کرده است. سیمون بر آن است که انسان‌ها باید به دلیل دسترس ناپذیری قطعیت و وقایع آینده، ناتوانی‌شان را در سنجش اعتبار برخی مسائل بپذیرند. وقتی عقلانیت با فرایند استدلال کردن مرتبط است نمی‌توان محدودیت انسان را در آن نادیده گرفت. انسان برای هر کارش دلیل دارد، اما چه چیز تضمین می‌کند که این بهترین دلیل باشد. در حوزه‌ی علوم اجتماعی نیز کسی نیست که وضعیت آینده محیط اجتماعی، واکنش‌های کنشگران اجتماعی، تغییر ارزش‌ها و ذائقه‌ها را بتواند به درستی پیش‌بینی کند. عدم

1. Luhmann, Niklas, *Distinction Theories*, ed. William Rasch, Trans. Joseph O'Neil, Stanford University Press, pp.70-71.

2. Bernal, J. D., *The Social Function of Science*, London, Routledge, 1939, p.415.

3. Stenmark, Mikael, *Rationality in Science, Religion and Everyday Life: A Critical Evaluation of Four Models of Rationality*, University of Notre Dame Press, Notre Dame, Indiana, 1995, p.5.

4. bounded rationality

قطعیت یک مانع اساسی برای موفقیت کامل در تصمیم‌گیری‌هاست.^۱ انسان، موجود محدودی است که غیر از محدودیت زمانی، منابع و توانایی‌های شناختی محدود دارد. به‌طور حتم، در نظر نگرفتن این محدودیت‌ها منطقی نیست،^۲ در بدیهی‌ترین اوضاع هم عقلانیت کامل و حقیقی دست نیافتنی است، زیرا فراهم شدن شرایط آن سخت و گاهی غیرممکن است، مانند دسترسی به تمام اطلاعات؛ شناسایی تمام روش‌های عملیاتی؛ ارزیابی تمام گزینه‌ها بر اساس انتفاع و امکانات هر یک در نسبت با نتایج ممکن؛ اجرای وفادارانه‌ی تصمیم‌ها؛ انتخاب بهترین گزینه از میان گزینه‌های بسیار و سرانجام نتایج ارزیابی شده که مبنای اجرای کنش‌ها و تصمیمات بعدی هستند. هر چه مقیاس بحران پیش‌آمده بزرگ‌تر و در نوع، جدیدتر باشد کار دشوارتر خواهد شد و لذا انتظار تحقق یک عقلانیت حقیقی نوعی آرمان‌گرایی است.^۳

با پذیرش نظر سیمون می‌توان فرض هژمونیک یا برتر دانستن عقلانیت علمی را نیز نوعی آرمان‌گرایی دانست و در صورتی پذیرفتنی است که علم به‌تنهایی بتواند تمام مشکلات بشری را برطرف کند و امور خود را بدون نیاز به حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و غیره پیش ببرد، اما با توجه به محدودیت‌های انسان در حوزه‌ی منابع و توانایی‌های شناختی و محدودیت زمانی؛ با توجه به این‌که منطقی‌ترین علم فقط بین کدهای درست و نادرست (صدق و کذب) عمل می‌کند؛ و شناخت کلی از جهان هستی ندارد؛ و نیز تعریفی مناسب از سعادت انسان و خوب و بد او ندارد؛ و با توجه به حوزه‌های چندگانه تأثیر عقلانیت نمی‌توان یک‌تازی آن را در قالب نوعی عقلانیت انسانی پذیرفت. بر این

1. Simon A. Herbert, "Bounded Rationality in Social Science: Today and Tomorrow", *Mind & Society*, Fondazione Rosselli, Rosenberg & Sellier, No. 1, Vol. 1, 1999/2000, pp.25-39.

2. Stenmark, *Rationality in Science, Religion and Everyday Life: A Critical Evaluation of Four Models of Rationality*, p.356

3. Oneal John R., "The Rationality of Decision Making During International Crises", *Polity*, The University of Chicago Press, vol. 20, no.4, 1988, pp.601- 627.

اساس باید آرام‌آرام آن را به‌عنوان بخشی از عقلانیت سیستمی در کنار سایر عقلانیت‌ها بررسی کرد.

عقلانیت سیستمی در جهان بحران‌زده: شواهدی از ضعف جنبه‌ی سیستمیک عقل در برخی جوامع

در ابتدای این قسمت، پیش از هر چیز، مناسبت دارد بر ضرورت توجه به عقلانیت اجتماعی^۱ تأکید شود، زیرا با توجه به این که در شرایط انفرادی نیروی عقل انسان تغییرات مادی کوچکی را می‌تواند ایجاد کند و برای تغییر بزرگ یاری دیگران را لازم دارد،^۲ می‌توان در خصوص واقعیت‌های اجتماعی نیز همکاری مجموعه‌ای از عقلانیت‌ها را انتظار داشت، که البته چون در این عقلانیت، استقلال هر خرده‌سیستم حفظ می‌شود نیروی عقلانیت سیستمی نام می‌گیرد. مدعای فینبرگ این است هر چیزی که در شکل‌گیری حیات اجتماعی تأثیر قابل توجهی داشته باشد نوعی عامل اجتماعی است و می‌توان به آن نوعی عقلانیت اجتماعی نسبت داد.^۳ در شرایط امروز جهان نمی‌توان یک واقعیت اجتماعی را یافت که در شکل و یا محتوای زندگی اجتماعی بی‌تأثیر باشد، برای مثال رسانه، هنر، حقوق، دین، آموزش و غیره، بودن یا نبودنشان تبعاتی در زندگی اجتماعی انسان دارد و در مورد همه‌ی آن‌ها می‌توان از نوعی عقلانیت سخن گفت که در سه حوزه‌ی نظر، عمل و ارزش بر مبنای منطق خاصشان تأثیرگذاری می‌کند. وضعیت

۱. برای تشخیص عمل و انتخاب درست، دلیل لازم است اما وبر داعیه کافی نبودن آن را داشت با این استدلال که برای انتخاب دقیق و تغییرات بزرگ که ضریب اطمینان رضایت‌بخشی هم داشته باشد همواره وجود یابوری لازم است، این نظر وبر، گویای تأکید بر عقلانیت اجتماعی است.

2. Wallace, Walterl, "Rationality, Human Nature and Society in Weber's Theory", *Theory and Society*, 19, 1990, p.220.

3. Feenberg, Andrew, "Modernity, Technology and the Forms of Rationality", *Philosophy Compass*, Blackwell Publishing Ltd., 6/11, 2011, pp.865-866.

بحران‌زده‌ی جهان، مجال مناسبی است برای این‌که بتوان عقلانیت‌های مختلف را متناسب با کارکردهای مختلف سیستم‌های اجتماعی به رسمیت شناخت و به این‌که انسان به‌عنوان یک عامل اجتماعی در کنار سایر عوامل اجتماعی در تلاش برای تحقق عقلانیت است، اعتراف کرد. برای تأیید این نظر کافی است بر وقایع اخیر ناشی از همه‌گیری جهانی بیماری کووید-۱۹ تأمل شود. مثلاً این‌که اگر بنا بود سیستم علم و نهاد مربوط به بهداشت در هرکشور بدون همکاری سایر سیستم‌های اجتماعی و مردم عمل کنند چه نیرویی می‌توانست از سرعت انتشار بیماری بکاهد؟ بی‌شک، عقلانیت علمی به‌تنهایی در مهار کرونا تعطیل می‌ماند اگر احساس مسئولیت اجتماعی کادر درمانی و نیز مردمی که پروتکل‌های بهداشتی را رعایت می‌کنند، در میان نبود. در این مواجهه جوامعی موفق‌تر عمل کرده‌اند که توانسته‌اند با استعانت از رسانه‌های جمعی و حتی تقویت احساسات معنوی، تعامل و ارتباطات درون‌اجتماعی میان نهادهای دولتی و مردمی و در کل، خرده‌سیستم‌های اجتماعی را مدیریت کنند. این همان جنبه‌ی سیستمیک عقل است که در شرایط بحران‌زده‌ی کنونی جهان بهتر قابل درک است. با توجه به این‌که عقلانیت سیستمی به ساختارهای اجتماعی مربوط است، چرا جوامعی که مدعی مدرن بودن و پیشرفت هستند چنین نظم و سامانی را نشان نداده و در برخورد با بیماری مزبور، ضعیف عمل کرده‌اند؟

بسیار نافع است در تحلیل اگر التفاتی به معنای سیستم داشته باشیم و توجه به این‌که سرمایه‌های یک سیستم، ارتباطات میان عناصر آن است، نه پول در سیستم اقتصاد یا حتی نه نظریه‌ها در سیستم علم. اگر چنین بود آن‌گاه چرا باید کشورهایی که به‌لحاظ اقتصادی از جایگاه خوبی برخوردار بودند بیشتر دچار معضلات اقتصادی شوند و بیکاری‌ها گسترده‌ای را تجربه کنند، در ایالات متحده نرخ بیکاری پس از رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ میلادی به بالاترین میزان خود رسیده است.^۱ گزارش‌ها می‌گویند به دلیل بحران

1. <http://ir.Sputniknews.com>

ناشی از کرونا، تولید ناخالص داخلی در سطح جهان کاهش ۹/۳ درصدی یافته است که شدیدترین رکود در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم است^۱ و سهم کشورهای توسعه‌یافته بسیار بیش‌تر است. از طرف دیگر چرا باید سیستم بهداشت در برخی کشورهای غربی، خود را آسیب‌پذیرتر نشان بدهد و آن‌ها گاه برای به دست آوردن تجهیزات ساده‌ی بهداشتی گوی سبقت را از یکدیگر برابند، آیا آن‌چه تاکنون از پیشرفت علمی و تکنولوژی غربی شاهد بوده‌ایم فقط یک نمایش تلویزیونی بوده است؟

همواره برای آزمودن کسی یا وسیله‌ای آن را در شرایط سخت و غیرقابل پیش‌بینی قرار می‌دهند، مثلاً حرکت چند نوع اتومبیل در شرایط عادی در یک جاده هموار خیلی چیزی را روشن نمی‌کند. وضع پیش‌آمد کرده در جهان کرونایی، برای آزمودن ساختارهای اجتماعی و نیز برای پی بردن به کارکرد اجتماعی خرده‌سیستم‌های مختلف اجتماعی، موقعیت واقعی مناسبی از کار درآمد. خرده‌سیستم‌های اجتماعی در عین حال که هر کدام کارکرد مخصوص به خود دارند در شرایط بحرانی به تعامل و ارتباط مؤثر با یکدیگر روی می‌آورند. شاید در شرایط عادی به ارتباط علم و دین بی‌توجهی شود، اما جالب است که در شرایط بحران کرونا از مردم خواسته می‌شود دست به دعا برداشته و عبادت کنند، چرا که دعا و عبادت برای تأمین آرامش فردی و هم برای تأمین آرامش و هم‌دلی اجتماعی مؤثر است. پیش از این اشاره شد که یکی از حوزه‌های تأثیر عقلانیت ارزش است و این می‌تواند شامل ارزش‌های دینی هم باشد، یعنی خرده‌سیستم دین نیز بر اساس منطق خاص خود در شرایط بحرانی عکس‌العمل نشان می‌دهد و پیاده‌سازی باورها (نظر) در عمل (عبادت و مساعدت) خود را نشان می‌دهد. این جنبه‌ی سیستمیک در عقلانیت است که در برخی ساختارهای اجتماعی موفق‌تر عمل می‌کند.

این ماهیت سیستم اجتماعی است که عناصر موجود در خود را مقهور عقلانیت اجتماعی می‌سازد. شاید مورد بحران بهترین آزمون برای رویه‌ی سیستمی این عقلانیت

۱. گزارش نهم از کرونا، نیروی کار و حمایت اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ص ۱.

باشد. اما پیش از هر چیز، چه وقت می‌توان رویه‌ی سیستمی را در عملکرد عقل و تحقق عقلانیت مشاهده کرد؟

رشر بر آن است این‌که برای هر کنش و برای متقاعد کردن دیگران دلیل لازم است ویژگی کل‌نگرانه و سیستمی عقل است. یعنی، هر گونه راه‌حل یا راه‌کار موضعی در مورد یک مسأله یا بحران باید در یک چهارچوب جهانی قابل پیاده‌سازی یا قابل تعریف باشد.^۱ بحران کرونا با وسعت جهانی‌اش نشان داد اقدامات و کنش‌های تمام عوامل عقلانی در دنیا به هم ربط پیدا می‌کند، حتی در حیطه‌ی عقلانیت روزمره و تغذیه مناسب یا نامناسب داشتن که ممکن است دیگران هم تحت تأثیر انتخاب ما قرار بگیرند، هم‌چون وقتی یک نفر به‌صورت محافظت نشده از منزل خارج می‌شود و می‌تواند حلقه‌ای از زنجیره‌ی انتقال بیماری باشد، یعنی قابل تصور است که چگونه بی‌مبالاتی و عقلانی عمل نکردن یک انسان می‌تواند به شیوع بیشتر بیماری و در نهایت، به بروز بحران‌های متعدد اجتماعی منجر شود. عقلانیت اجتماعی امروز سلامت افراد را بهم گره خورده می‌بیند، زیرا سلامت و مصلحت هر یک از ما در گرو سلامت و مصلحت دیگری است، هم‌چون حرکت یک مهره در بازی دومینو که موجب حرکت سایر مهره‌ها خواهد شد. این ارتباط در مورد تمام خرده‌سیستم‌های اجتماعی صدق می‌کند. از طرفی عملکرد هر خرده‌سیستم تا حد زیادی به حمایت و همکاری سایر خرده‌سیستم‌ها وابسته است، برای مثال، تحقیق علمی بدون حمایت از جانب اقتصاد، نهادهای دولتی یا خرده‌سیستم سیاست، و خرده‌سیستم آموزش امکان‌پذیر نیست.

اکنون دیگر روشن است در عقلانیت سیستمی، انسان تنها کنشگر یا عامل اجتماعی هوشمند نیست، بلکه خرده‌سیستم‌های اجتماعی یا همان واقعیت‌های اجتماعی به‌مثابه‌ی موجودات هوشمندی هستند که هر یک توانایی معناسازی و کنش بر اساس منطق خاص خود را دارد. پس تردید نسبت به این‌که همه چیز در آینده به خواست

1. Rescher, Nikolas, *Rationality: A Philosophical Inquiry into the Nature and the Rationale of Reason*, Clarendon press, Oxford, 1988, p.16.

انسان پیش برود چندان عجیب نیست، مثل هنر که زمانی افلاطون و ارسطو با اعلام ماهیت تقلیدی آن‌ها تصور می‌کردند برای همیشه آن‌ها را تعریف کرده‌اند، اما امروز هنر یک مفهوم باز و تعریف‌ناپذیر است و این اتفاق در اثر تطور اجتماعی و تاریخی ذوق و نبوغ بشر رقم خورده است و نه به خواست او.

هر خرده‌سیستم بر مبنای منطق دو ارزشی خود، درون‌داده‌های محیطی را تحلیل می‌کند و هرچه به زبان آن ترجمه نشود را پس می‌زند و بیگانه محسوب می‌کند، برای مثال منطق دوارزشی سیستم هنر زیبا/زشت است که با تحولات ساختاری جامعه خود را به روزرسانی می‌کند.^۱ اکنون خرده‌سیستم علم ماه‌هاست که بر اساس رمزگان درست و نادرست خود با تشخیص و درمان بیماری کرونا دست و پنجه نرم می‌کند. رابطه‌ای که سیستم علم و بهداشت در این مدت با سایر خرده‌سیستم‌های اجتماعی برقرار کرده در خور تأمل است.

عنصر اصلی در عقلانیت سیستمی ارتباطات است و هر چه آن را تقویت کند در راستای تأمین هدف عقلانیت سیستمی عمل کرده است. در نظر بگیریید در خصوص بیماری کرونا با تحقیقات علمی راه‌های انتقال و ویروس شناسایی می‌شوند، اما برای آگاه کردن مردم و تشویق آنان به انجام پروتکل‌های بهداشتی، خرده‌سیستم علم به‌تنهایی کافی نیست؛ اگر سایر خرده‌سیستم‌های اجتماعی و نهادها هم‌چون رسانه‌ها، هنر، دین و آموزش و در نهایت، مردم همکاری نکنند در عمل، علم کاری نمی‌تواند انجام دهد. ارتباطات میان سیستم‌های اجتماعی درست مثل ارتباطات میان افراد ضروری است. در حالت انفرادی ممکن است انسان فقط یک هدف مشخص با ابزارها و راه‌های تحقق گوناگون داشته باشد، اما برای انتخاب دقیق که ضریب اطمینان رضایت‌بخشی هم داشته باشد همواره مساعدت دیگران لازم است.

۱. رک. بختیاران، مریم، نظریه سیستم‌های اجتماعی: عملکرد سیستم هنر از منظر نیکلاس لومان، تهران، هرمس، ۱۳۹۷ش، ص ۲۲۱.

همان‌طور که در قسمت پیشین نیز ذکر آن رفت عقلانیت علمی به‌تنهایی نمی‌توانست پاسخ‌گوی ضرورت حس هم‌دلی و هم‌راهی در میان جوامع بشری باشد، حسی که در دوران شیوع بیماری، در برخی از کشورها، بیش‌تر از قبل دیده شد؛ مانند وقتی که مردم بدون اجبار و با کمک آگاهی‌بخشی پیام‌های رسانه‌ای کمتر در فضاهای اجتماعی حاضر شده و رفت و آمدهای غیر ضروری را کم کنند. برای شرح دلایل این‌گونه رفتارها منطق گفت‌وگو و هم‌دلی رورتی کاربست خوبی پیدا می‌کند، زیرا بر آن است که انسان‌ها در جوامع آزاد با ابتنا بر حسی از هم‌بستگی، هم‌دردی و هم‌دلی با هم‌نوعان خود عمل می‌کنند و این بهترین راه برای هماهنگی فرد با جمع و راحت‌پذیرتر کردن شرایط جامعه-پذیری است.^۱ البته رورتی و امثال او ریشه‌ی چنین نظمی را درون افراد می‌جویند، اما در نظریه سیستمی از رابطه‌ای مشابه سخن به میان می‌آید که روابط میان سیستمی را هدایت می‌کند. یعنی می‌توان نوعی حس هم‌بستگی و هم‌دلی را تحت عنوان هم‌نوایی خرده-سیستم‌های اجتماعی تعریف کرد. بر این اساس هر خرده‌سیستم اجتماعی واجد درجه‌ی حساسیت معینی است که با وقوع رخداد غیرمنتظره‌ای در محیطش موجی از هم‌نوایی را به جریان می‌اندازد، این نوع عملکرد در پرتو عقلانیت سیستمی قابل تعریف است. در نظریه سیستمی وقتی سیستمی دچار اختلال می‌شود سیستم‌های دیگر با بسته‌نگه‌داشتن مرزهای خودشان موجی از هم‌نوایی به راه می‌اندازند. هر سیستم^۲ که قوی‌تر و غنی‌تر باشد موج عظیم‌تری از هم‌نوایی را به جریان می‌اندازد. اما هم‌نوایی چیست، و چگونه در بحران رخ می‌دهد؟

1. Guignon, Charles & Hiley David, *Richard Rorty*, Cambridge University Press, 2003, p.132.

۲. سیستم، مجموعه‌ای فراتر از جزء و کل است و اعضای آن را روابط تشکیل می‌دهند، هم‌چنین بر حسب تفاوت در میزان پیچیدگی با محیط خود در تبادل و ارتباط است.

هم‌نوایی خرده‌سیستم‌های اجتماعی در مواجهه با بحران کرونا: علل شدت و ضعف آن

جوامع امروز مراتب بالایی از پیچیدگی دارند که به‌سادگی نمی‌توان رفتار آن‌ها را هم‌چون یک ماشین یا کامپیوتر پیش‌بینی کرد، نمی‌توان گفت که با این داده‌ها خروجی‌های مشخصی به‌دست خواهند آمد. در چنین جوامعی خرده‌سیستم‌ها به‌دلیل کارکرد^۱ متفاوتشان تفکیک شده و هم‌چون سیستمی باز^۲ با ثبات پویا در نظر گرفته می‌شوند. این بدان معناست که در صورت تغییر شرایط محیطی، خرده‌سیستم ضمن حفظ ثبات و تعادل خود می‌تواند واکنش نشان داده و تغییراتی اعمال کند که به دلیل نقش مهم روابط عناصر، این واکنش‌ها غیرقابل پیش‌بینی هستند. از این رو، در هنگام بروز یک بحران به‌جای روابط علت و معلولی نوعی رابطه هم‌بستگی میان آن‌ها دیده می‌شود. هر خرده-سیستم اجتماعی مانند یک موجود شبه‌ارگانیکی عمل می‌کند که توانایی خودسازی^۳ دارد، یعنی فروبستگی عملکردی اما گشودگی ساختاری دارد. پس نمی‌توان گفت عقلانیت سیستمی، جهانی است، زیرا شرایط هر جامعه و ساختار آن متفاوت است و حتی، با توجه به این‌که هر گونه هدایت از درون مرزهای خرده‌سیستم‌ها انجام می‌گیرد، بهتر است، حتی با احتیاط اجتماعی وصف شود. برای نمونه، در خرده‌سیستم اقتصاد، فرمان

1. function

۲. سیستم باز، دائم با محیط خود در ارتباط است و در واکنش به آن وضعیت خویش را تغییر می‌دهد. هیچ رابطه‌ی علت و معلولی میان سیستم و محیط وجود ندارد. یک سیستم باز «جعبه‌ی سیاهی» است که در واکنش به تغییرات محیطی سازمان‌های درونی خود را تغییر می‌دهد. وقتی این تغییرات به نوبه‌ی خود بر محیط اثر کردند، یک جریان بازخورد شکل می‌گیرد.

See: King & Thornhill, *Niklas Luhmann's Theory of Politics and Law*. Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2003, pp.21-24

۳. اومبرتو ماتورانو و فراسیسکو وارلا در سال ۱۹۸۵، با بررسی سلول‌ها و یاخته‌ها به سیستمی برخوردند که کار آن ساختن اجزاء خودش بود. این دو دانشمند سیستم سلول‌ها را «اتو-پوئیس» نامیدند. auto – poiesis لغتی یونانی است که در آن "auto" به معنای خود و "poiesis" به معنای ساختن است و لومان نیز تحت تأثیر آنان اتوپوئیس را در مورد سیستم‌های اجتماعی به‌کار برد.

به دست بازار و افکار عمومی است. این گونه اگر تقنینی هم در کار باشد به طور خودانگیخته و خودساز بوده و نمی‌توان گفت قانون آهنین یا به تعبیر وبر، قفس آهنین است. شاید این نوعی اتوپیاگری در مورد عقلانیت باشد، اما برای درک آن کافی است توجه شود خرده‌سیستم‌ها در برابر مشکل یا بحران چگونه عمل می‌کنند و با راهکار عقلانی‌تر، چگونه حتی محیط خود را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عقلانیتی دولتی یا سیاسی نیست و به هیچ وجه تفاوت را حذف نمی‌کند بلکه با تفکیک وحدت در تفاوت تحقق می‌پذیرد.^۱ اما با توجه به موارد ذکر شده آیا در مواجهه با بیماری کرونا و پیامدهایش نمونه‌هایی از تحقق این عقلانیت قابل رهگیری است؟

در نظریه‌ی سیستمی وقتی نظم و ساختار جامعه‌ای مدرن بازتوصیف می‌شود از ارتباط سیستم با محیط نیز به‌مثابه‌ی یک امر اجتناب‌ناپذیر و مهم یاد می‌شود. از آن‌جا که یک سیستم^۱ حاوی عناصر زمان‌مندی مثل رویدادها و کنش‌هاست همواره ممکن است عناصر، شگفتی بیافرینند، و ترکیبات جدیدی از امور قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی عرضه کنند. این رویه‌ی عملکردی مثلاً می‌تواند در راه پیاده‌سازی یک طرح علمی، که در صدد ارزیابی واقعی بودن یا نبودن پدیده‌ای است، مانع ایجاد کند.^۲ سازوکار سیستم اجتماعی بر محور رویداد/ساختار شکل می‌گیرد. یعنی، ساختار آن شامل انتظارات و امکانات ساختاری است و دیگر هیچ؛ زیرا با لحاظ زمان‌مندی کنش و رویدادها هر ساختار فقط در زمان حال وجود دارد و در این افق گسترش می‌یابد نه افق آینده. پس نمی‌توان از ساختار برداشت ذهنی داشت و همه چیز را در ید قدرت فکر انسان دید. در چنین اوضاعی برای تحلیل عملکرد هر خرده‌سیستم باید درجه‌ی حساسیت و میزان هم‌نوایی آن را، که حاصل مجموعه‌ای عوامل است، سنجید.

هم‌نوایی (رزونانس)، یک مفهوم راهبردی جامعه‌شناختی است که می‌تواند به

1. Luhmann, *Ecological Communication*, p.138.

2. Luhmann, Niklas, *Social Systems*, Trans. John Bednarz, Jr. & Dirk Baecker, Stanford University Press, Stanford, California, 1995, p.191.

ارتباطی در مقیاسی وسیع مربوط باشد (بهتر است با توجه به اهمیت و لزوم حفظ تفاوت‌ها عقلانیت سیستمی، جهانی تفسیر نشود). هم‌نوایی مستلزم توافق معنادار، پویا و نرم میان دو فرد و این‌جا منظور ما میان سیستم و محیط است. وقتی در محیط یک خرده‌سیستم که منظور جامعه و سایر خرده‌سیستم‌ها هستند مشکلی بروز کند، خرده‌سیستم واکنش نشان می‌دهد و این واکنش باید از پژواک یا طنین، که حاصل توالی واکنش‌های خطی-مکانیکی است، متفاوت فهم شود؛ زیرا پیش‌فرض اصلی این نوع ارتباط این است که دو سوی رابطه هر کدام با زبان (صدای) خودشان شروع به گفت‌وگو کنند. همان‌طور که در مورد افراد این به ایجاد روابط اخلاقی و تقویت آن منجر می‌شود و به جای عقلانیت ابزاری به عقلانیت ارزشی و انگیزش‌های آن‌ها وابسته است^۱، در زندگی اجتماعی نیز تحلیل این موج هم‌نوایی به صورت هم‌دلی و هم‌راهی میان افراد است که در مقام سوژه‌ای خودمختار با یکدیگر وارد گفت‌وگو می‌شوند، یعنی شرط لازم این است که مراتبی از استقلال در دو طرف حفظ و عقلانیت هر دو به رسمیت شناخته شود. اکنون قصد داریم این ارتباط را به جای دو جسم (شیء) یا فرد میان خرده‌سیستم‌های اجتماعی در نظر بگیریم که در مورد آن‌ها نیز عملکردش به عقلانیت نظری، عملی و ارزشی هر یک وابسته است. برای مثال، وقتی جنگی اتفاق می‌افتد خرده‌سیستم هنر با منطق خاص خود واکنش نشان می‌دهد و هم‌نوایی آن به صورت خلق آثار هنری با موضوع جنگ و فرم متناسب با آن‌هاست که ارزش‌های هنری و زیباشناختی را نیز دربردارند، یعنی یک اثر هنری می‌تواند عرصه‌ی نظر، عمل و ارزش خاص خودش باشد. این نیاز اساسی هر سیستم اجتماعی است و محققان از راه تعیین میزان درجه هم‌نوایی، ضمن توصیف شرایط فعلی آن می‌توانند معیاری فراهم سازند تا خوب عمل کردن یا نکردن خرده‌سیستم در شرایط حساس و بحرانی را ارزیابی کنند.

وقتی ساختار یک خرده‌سیستم گشوده باشد در برابر نوسانات محیطی می‌تواند

1. Susen Simon, "The Resonance of Resonance: Critical Theory as a Sociology of World-Relations", Springer, 2019.

رویدادها و ساختار خود را تغییر داده و با شرایط جدید خود را وفق دهد. ارتباط و تعامل سیستم با محیط باعث نوسانات درون سیستمی می شود، نقش و کارکرد اجتماعی سیستم در چنین شرایطی با تغییرات ساختاری مشخص می شود.^۱ برای مثال توجه کنید به آموزش مجازی یا پخش ادعیه در ساعت مقرر از رسانه های مختلف و یا اجرای آنلاین و زنده ی برخی هنرمندان در دوران بحران کرونا و قرنطینه. این همکاری خرده سیستم ها نشان می دهد که انتخاب واژه ی هم نوایی برای رزونانس به آن چه برخی جامعه شناسان مراد کرده اند هم چون لومان، نزدیک تر است، زیرا با هم افزایی، همکاری، کار توأم و یاری^۲ مترادف است.^۳ پس این نوع خاصی از تعامل در میان خرده سیستم های اجتماعی است. «خرده سیستم ها هر یک محیط هایی برای یکدیگر به شمار می آیند. آن ها قادرند وقتی یک خرده سیستم به تغییرات اجتماعی واکنش نشان می دهد و محیط خرده سیستم های دیگر را تغییر می دهد جریانی از اختلالات تشدیدکننده راه بیندازند. برای مثال، کمیابی منابع می تواند مشکلات سیاسی و اقتصادی مثل افزایش قیمت ها را ایجاد کند.»^۴ درست مانند مورد بیماری کرونا که، با اختلال در خرده سیستم بهداشت و سلامت که زیر مجموعه ی علم محسوب می شود، امواجی از اختلال را در میان خرده سیستم های دیگر مثل آموزش، اقتصاد، سیاست، دین، هنر و غیره ایجاد کرده است. بسیاری از فعالیت های اجتماعی متناسب با هر یک از این خرده سیستم ها مختل شدند و از همان آغاز، موجی از نگرانی در هر کدام از آن ها ایجاد شد، تنها راهکار مؤثر برای هر خرده سیستم این بود که در افق زمانی حال برای عبور از بحران بر اساس انتظارات و امکانات ساختاری اندیشه ای کند.

این نوع رفتار از سوی جامعه در شرایط بحرانی طبیعی است، زیرا قاعده ی

1. Ignatyev, Veladimir I., *The Information Resonance in Social System*, Novozibirsk, 2016, pp.11-12.

2. synergy

3. Ibid.

4. Luhmann, *Ecological Communication*, p.49.

عقلانیت سیستمی این طور شناخته شده است که در چنین شرایطی خرده سیستم‌ها برای کمک به تأمین هدف کلی جامعه، یعنی حفظ سلامت سیستم‌های اجتماعی و روانی (انسان‌ها)،^۱ هر یک بر حسب درجه‌ی حساسیت موجی از هم‌نوایی به راه اندازند. از یک سو، موجی از هم‌نوایی مورد نظر روابط میان سیستمی را پیش می‌برد مانند مورد هنر و رسانه‌های جمعی که تلاش می‌کنند تا ضمن حفظ شادابی فضای جامعه در جهت سلامت روانی افراد و آگاهی‌بخشی گامی بردارند و به سیستم بهداشت و سلامت یاری رسانند. از سوی دیگر، ارتباطات درون سیستمی، که همان اعضای یک جامعه کوچک را تشکیل می‌دهد، به شکل دیگری تقویت می‌شوند مانند مورد خرده سیستم آموزش که تلاش می‌کند تا با تشکیل کلاس‌های مجازی تا حد امکان جلوی زیان‌های آموزشی را بگیرد در این مرحله رابطه میان معلمان و شاگردان شکل جدید می‌گیرد، اما از بین نمی‌رود، هر چند نمی‌توان نقش امکانات و زیرساخت‌های تکنولوژیکی را در این رابطه نادیده گرفت، اما نقش مردم نیز مؤثرتر از هر اهرم دیگری عامل به حرکت درآمدن دستورالعمل‌های راه‌گشاست به ویژه وقتی به صورت خودجوش رفتارهایشان را تغییر می‌دهند. یک‌باره یک ویروس دلیل مناسب و خوبی می‌شود برای عمل نکردن به برخی عادات و سننی که کسی نمی‌توانست انسان را از انجام آن‌ها بازدارد. چه می‌شود کارهایی که زمانی معقول و منطقی به نظر می‌رسیدند، هم‌چون دید و بازدید نروزی و خرید کردن از بازار، به یک‌باره نامعقول و غیرمنطقی به نظر می‌رسند، این کدام عقلانیت است که انسان قرن بیست و یکمی را مجاب می‌کند در خانه بماند؟ چه بسا به تعبیر رورتی این نوع رفتار بتواند یکی از اقسام عقلانیت لحاظ شود که توانایی انسان در تغییر عادات تعریف می‌شود، طوری که انسان می‌تواند بدون اجبار بیرونی، حتی شخصیت تازه‌ای از

۱. منظور از سیستم‌های روانی، انسان‌ها هستند که عملکردی از جنس آگاهی دارند. سیستم‌های اجتماعی نیز از جنس ارتباط بوده و عبارتند از: تمامی تعاملات، سازمان‌ها و جامعه

خود بسازد. این تعبیر، انسان را واجد توانایی سازوارپذیری یا انطباق با تغییرات و پیچیدگی‌های محیطی معرفی می‌کند.^۱ اگر از شگرد مقایسه استفاده کنیم شباهتی بین این نظریه با «نظریه سیستم‌های انطباقی پیچیده» ملاحظه می‌شود؛ جایی که تلاش می‌شود خصلت سازوارپذیری سیستم‌ها در قالب واکنش مناسب نشان دادن به تغییرات و اختلالات محیطی تشریح شود و از خلال آن دلیل قانع‌کننده‌ای برای برخی رفتارهای نوپدید از خرده‌سیستم‌ها یافت شود.^۲ با این وصف، ساختار مدرن و سالم خرده‌سیستم‌های اجتماعی می‌تواند این سازواری را از خود نشان دهد، به‌ویژه وقتی در جامعه یک تغییر ساختاری رخ می‌دهد بلافاصله، خرده‌سیستم‌ها با هم‌نوایی در قالب رفتاری جدید واکنش نشان می‌دهند. این جاست که دیگر نمی‌توان مدیریت عقلانیت هژمونیک یا مسلطی را پذیرفت که ریشه در علم، تکنولوژی یا اقتصاد داشته باشد. غلبه عقلانیت اقتصادی یا سیاسی با اولویت‌های خاص خودشان همراه است.^۳

بدین ترتیب، اتفاق اخیر که با شیوع بیماری کرونا و به وسعت جهانی رخ داد مجالی فراهم ساخت تا عملکرد خرده‌سیستم‌های مختلف اجتماعی را در ساختارهای مختلف اجتماعی جهان بتوان رصد کرد و قابلیت هم‌نوایی خرده‌سیستم‌های مختلف را سنجید. فرض ارزشی در نظریه سیستمی و عقلانیت سیستمی این است که باید هر خرده‌سیستم به شرایط محیطی حساس باشد و به زبان خودش به آن واکنش نشان دهد تا از طریق این موج، نظم و تعادل به جامعه بازگردد. در آینده‌ای نه چندان دور توصیف‌ها و

1. Rorty, Richard, "A Pragmatist View of Rationality and Cultural Difference", *Philosophy East and West*, vol.42, no.4, Mt. Abu Regional East-West Philosophers', University of Hawai'i Press, "Culture and Rationality", Oct., 1992, pp.581-596.

2. Sawyer, R.K., *Social Emergence: Societies as Complex System*, Cambridge University, 2005, pp.22-23.

۳. ایرنا در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۹۹، گزارشی از تحلیل نوام چامسکی نقل کرده است با این مضمون که: خیانت برخی نظام‌ها سیاسی اروپایی و آمریکایی به دلیل انگیزه‌های غالب سیاسی و اقتصادی عامل اصلی همه‌گیری و خسارات گسترده آن است.

بازتوصیف‌ها از تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و برخورد مردم در جوامع گوناگون می‌تواند ابزار مناسبی برای محققان باشد در سنجش میزان مدرن بودن یا نبودن ساختارهای اجتماعی مختلف جهان؛ زیرا این بحران، مجالی فراهم ساخت تا خرده‌سیستم‌های مختلف کارکرد اجتماعی خود را به‌روزرسانی کنند.

با وضعیت اخیر جهان در مواجهه با ویروس کرونا ملاحظه شد نظم اجتماعی و اقتصادی ارائه شده در ساختار جامعه جهانی به‌طور سیستماتیک آسیب‌پذیرتر از آنچه تصور می‌شده است، زیرا چنان قافیه را باخته و از سرعت گسترش یک ویروس چنان عقب افتاده که هم‌چون لایه ازن یا پوشش‌های سبز جنگلی، در حال تحلیل رفتن است. بخشی از سیمای امروز جهان، نتیجه ناکارآمدی برنامه‌ها و جهل از پیامدهای ناخواسته-ی آنهاست و بخشی از آن نتیجه انکار؛ انکار از این ناحیه که بشر هیچ‌گاه نخواسته است باور کند از یک سو، توانایی‌های شناختی و عقلانیت محدود دارد و از سوی دیگر اولویت را همواره به عقلانیت علمی می‌دهد که پشت آن نیز بیشتر انگیزه‌ها یا عقلانیت اقتصادی و سیاسی پنهان است.

نتیجه

عقلانیت انسانی گاهی حسی از رضایت و در پاره‌ای موارد، حسی از نارضایتی ایجاد کرده است و حوزه‌ی تأثیر آن تا هر آن چیزی است که انسان با آن سروکار دارد، حتی رفتارهای زندگی روزمره. تا چندی پیش قابل پیش‌بینی نبود که این عقلانیت در مواجهه با بحران‌های احتمالی چگونه عمل می‌کند و همین عدم اطلاع از آینده یکی از ضعف‌های عقلانیت انسانی است. از زمانی که علم با صنعت یا تکنولوژی پیوند خورد، در حیطه‌ی عقلانیت انسانی، عقلانیت علمی و به‌دنبال آن تکنولوژی از جایگاه رفیعی برخوردار شدند. حس برتربینی این عقلانیت، قابل مقایسه با عظمت کشتی تایتانیک است که کسی تصورش را هم نمی‌کرد به آن زودی غرق شود. گفته می‌شود یکی از دلایل اصلی

غرق شدن کشتی، اعتماد بیش از حد به توانایی و عظمت آن بود. اکنون در قرن بیست و یکم به نظر می‌رسد عقلانیت علمی با وجود تمام پیشرفت‌های نظری و تکنولوژیکی به چیزی همانند آن کوه یخ برخورد کرده است که بزرگی ناپیدا و غافلگیرکننده‌ی آن توانسته است توانایی‌های عقلانی انسان را زیر سؤال ببرد.

بحران کرونا نشان داد گاهی یک اتفاق، طبیعی یا غیرطبیعی، می‌تواند تمام محاسبات را بر هم بزند و اقتدار عقلانیت علمی و یا حتی اقتصادی را زیر سؤال ببرد. برخورد متفاوت جوامع با این بحران، بیش از آن که به سطح دانش، فناوری و اقتصاد مربوط باشد به هماهنگی خرده‌سیستم‌های یک جامعه، یعنی به عملکرد عقلانیت سیستمی مربوط است. عدم سازگاری یا تناسب ساختاربندی جوامع با واقعیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی برای برخی از آن‌ها معضلات زیادی ایجاد کرده است. در عقلانیت سیستمی برای تقویت سیستم ایمنی بدنه‌ی یک جامعه همراهی تمام خرده-سیستم‌ها که کارکردهای گوناگون دارند از دین گرفته تا هنر، آموزش، علم، سیاست و اقتصاد ضروری است. هم‌نوایی خرده‌سیستم‌ها هم‌چون هم‌دلی افراد انسانی به نوعی دلیل تداوم و تقویت حیات اجتماعی است، زیرا امکان ارتباط و گفت‌وگو را ضمن حفظ استقلال فراهم می‌آورد. این هم‌نوایی یک پژواک ساده نیست، بلکه ترجمه‌ی اختلال به زبان هر خرده‌سیستم بر مبنای رمزگان خاص آن است، بدین سبب ملاحظه می‌شود که هر خرده‌سیستم، ضمن تغییر ساختار سعی می‌کند تعادل را حفظ کند، مانند عملکرد سیستم دین هنر و آموزش در مواجهه با برخی محدودیت‌ها که ثبات و تغییر را در خود داشت.

بدون شک، هیچ عقلانیتی به‌تنهایی نمی‌توانست مردم را به تغییر رفتار تشویق کند، و بگوید رفتاری که پیش از این منطقی بود در این زمان غیرمنطقی است. به‌زعم این بیماری نوعی جامعه‌پذیری نوین اتفاق افتاد که اگر همراهی خرده‌سیستم‌های مختلف نبود شاید فکر توانای انسان به‌تنهایی نمی‌توانست موفق و سریع عمل کند، بر این اساس

می‌توان گفت تمام خرده‌سیستم‌های اجتماعی در مهار بحران نقشی داشته و دارند. همان‌طور که وقتی یک فرد پروتکل‌های بهداشتی را رعایت نکند می‌تواند زنجیره‌ی انتقال را تداوم بخشد خرده‌سیستمی هم که ساختار درونی خود را به شیوه‌ی درست و به موقع مدیریت نکند آسیب‌های اجتماعی ایجاد خواهد کرد. آنچه به‌زعم نظریه‌پردازان سیستمی تحت عنوان عقلانیت عرضه می‌شود با هدف بازتوصیف شرایط خودگردانی جامعه مدرن است که در آستانه پیچیدگی و پیش‌بینی‌ناپذیری قرار دارد. این رویه با اندک ملاحظه‌ای یک فرض ارزشی و نه توصیفی به نظر می‌آید که نشان می‌دهد عملکرد ضعیف برخی ساختارهای اجتماعی که داعیه‌ی پیشرفت دارند با چنین مدلی هم‌خوانی ندارد.

عملکرد ضعیف برخی از این جوامع که از روی شواهدی هم‌چون کمبود تجهیزات پزشکی تشخیصی و درمانی، عدم دسترسی به مکان مناسب و کافی برای مداوای بیماران، جدی نگرفتن بیماری و مدیریت نادرست شرایط و بالا رفتن آمار مبتلایان و جانباختگان قابل تشخیص است، نشان می‌دهد آنچه تاکنون به مثابه عقلانیت هژمونیک در علم یا اقتصاد ادعا می‌شد صرفاً سیمای بزک کرده‌ای بود که کراهت آن در اثر غفلت نمایان شده است. این ضعف، نشان می‌دهد وضعیت عقلانیت علمی در مدیریت پیشگیری و درمان کرونا بیش از آن که به خود علم مربوط باشد به عملکرد سایر خرده-سیستم‌های اجتماعی هم‌چون سیاست (دولت)، اقتصاد و البته به مردم مربوط است و اهمیت همکاری مردم به اندازه‌ای است که در سناریوی نفس‌گیر مهار کرونا به تمام عقلانیت‌های حقوقی، دینی، هنری، رسانه‌ها، آموزش و غیره باید نقشی داده شود.

منابع

- بختیاریان، مریم، نظریه سیستم‌های اجتماعی: مطالعه عملکرد سیستم هنر از منظر نیکلاس لومان، تهران، هرمس، ۱۳۹۷ش.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، «کرونا نیروی کار و حمایت اجتماعی»، گزارش ۹، ۱۰ خرداد ۱۳۹۹.
- Bernal, J. D., *The Social Function of Science*, London, Routledge, 1939.
- Feenberg Andrew, "Modernity, Technology and the Forms of Rationality", *Philosophy Compass*, Blackwell Publishing Ltd., 6/11, 2011.
- Guignon, Charles & Hiley David, *Richard Rorty*, Cambridge University Press, 2003.
- Horkheimer, Max, *eclipse of Reason*, London & New York, Continuum, 2004.
- Ignatyev, Veladimir I., *The Information Resonance in Social System*, Novozibirsk, 2016.
- King & Thornhill, *Niklas Luhmann's Theory of Politics and Law*, Basingstoke, Palgrave Macmillan, 2003.
- Kirkpatrick, Greame, *Technology and Social Power*, Publisher Palgrave, 2008.
- Luhmann, Niklas, *Social Systems*, John Bednarz, Jr. & Dirk Baecker(Trans.), Stanford University Press, Stanford, California, 1995.
- Idem, *Ecological Communication*, John Bednarz, Jr.(Trans.), the University of Chicago Press, 1989.
- Idem, *Distinction Theories*, William Rasch(ed.), Joseph O'Neil(Trans.), Stanford University Press, 2002.
- Morecroft, John DW, *System Dynamics: Portraying Bounded Rationality*, Massachusetts Institute of Technology, USA, Pergamon Press Ltd. vol.11, no.2, 1983.
- Oneal John R., "The Rationality of Decision Making During International Crises", *Polity*, The University of Chicago Press, vol. 20, no.4, 1988.

- Rescher, Nikolas, *Rationality: A Philosophical Inquiry into the Nature and the Rationale of Reason*, Clarendon press, Oxford, 1988.
- Rorty, Richard, "A Pragmatist View of Rationality and Cultural Difference", *Philosophy East and West*, vol.42, no.4, Mt. Abu Regional East-West Philosophers', University of Hawai'i Press, Culture and Rationality, Oct., 1992.
- Sawyer, R.K., *Social Emergence: Societies as Complex System*, Cammbridge University, 2005.
- Simon A. Herbert, "Bounded Rationality in Social Science: Today and Tomorrow", *Mind & Society*, Fondazione Rosselli, Rosenberg & Sellier, no.1, vol.1, 2000.
- Stenmark, Mikael, *Rationality in Science, Religion and Everyday Life: A Critical Evaluation of Four Models of Rationality*, University of Notre Dame Press, Notre Dame, Indiana, 1995.
- Susen Simon, "The Resonance of Resonance: Critical Theory as a Sociology of World-Relations", Spiringer, 2019.
- Wallace, Walterl, "Rationality, Human Nature and Society in Weber's Theory", *Theory and Society*, 19, 1990.
- <http://ir.Sputniknews.com>, 7 June 2020.